

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره دوم-تابستان 1393-شماره پیاپی 24

بررسی محتوایی و سبکی معراج الخیال تجلی شیرازی

(ص 31-17)

احمدعلی جعفری<sup>2</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 1392/12/2

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

#### چکیده

معرفی نسخه‌های خطی آثار شاعران و بررسی محتوایی و سبکی آنان، بر گستره‌آشنایی ما با آنان می‌افزاید. که نسخه خطی "معراج الخیال" اثر حسین تجلی شیرازی - شاعر قرن یازدهم ه. و از مفاخر دوره صفویه - یکی از آنهاست.

هدف ما از نوشتن این مقاله بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی مذکور است، بدین معنی که ضمن بررسی محتوایی و تحلیل ویژگیهای ادبی و سبکی نسخه خطی مذکور، به این سؤال اصلی پاسخ میدهم که این نسخه خطی از نظر محتوایی و سبکی چه ویژگیهایی دارد و شاعر آن برای بیان مطالب شاعرانه خود از چه شگردهایی استمداد جسته است؟

نتایج بدست آمده از پژوهش این مذکور این بوده است که این مثنوی چون درونمایه عرفانی دارد در قالب تمثیل و ذکر انواع آیات و احادیث، یکی از بهترین مثنویهای عرفانی و سبک هندی میباشد. شاعر از انواع آرایه‌ها و شگردهای کلامی برای بیان تعلیم عرفانی استمداد جسته است.

**کلمات کلیدی:** شعر دوره صفوی، معراج الخیال، تجلی شیرازی، نسخه خطی، مشخصات سبکی

---

<sup>2</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر [plbdum@gmail.com](mailto:plbdum@gmail.com)

## مقدمه

پرسش پژوهش: مثنوی معراج الخیال از نظر سبکی و محتوایی چه ویژگی‌هایی دارد؟ علیرضا تجلی شیرازی سراینده این مثنوی معروف است که تاریخ ولادتش ذکر نشده و از شاگردان مشهور آقا حسین محقق خوانساری (متوفی 1098 هـ) است (آتشکده آذر بیگدلی، ص 271).

روش کار: برای بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی مثنوی معراج الخیال به نسخه خطی شماره 5400 دانشگاه تهران مراجعه کرده‌ایم و با مطالعه و فیش برداری از آن، همراه ذکر شماره بیت این نسخه خطی ویژگی‌های سبکی این مثنوی را در سه سطح فکری، زبانی و ادبی مورد بررسی قرار داده‌ایم.

ضرورت تحقیق: عصری که شاعر مثنوی معراج الخیال میزیسته (عصر صفوی) از دورانی است که شعر و ادب فارسی در دربار گورکانان هند رونق و رواج دارد چنانکه: "نهضت دوران گورکانیان هند در ادب فارسی نجات بخش واقعی شعر و ادب فارسی از زبونی و رهایی دهنده آن از تنهایی‌ای بود که چیرگی ترکان قزلباش و تربیت یافتگان تازی خوی آنان، برایش در عهد صفوی فراهم آورده بودند" (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ص 46). پس بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی این اثر، امکان فهم بهتر متون را برای خواننده فراهم می‌آورد، مخصوصاً که اگر بدانیم: "همواره در این دوره شاعران فارسی زبان که در هند میزیستند بیش از شمار کسانی بودند که در ایران بودند" (کاروان هند، گلچین معانی، پیشگفتار).

پیشینه تحقیق: نسخه خطی مثنوی معراج الخیال که در مخزن نسخ خطی دانشگاه تهران به شماره 5400 نگهداری میشود تاکنون در هیچ کجا به چاپ نرسیده است و این جای بسی تأسف دارد چنانکه برای نوشتن این مقاله به شماره بیهی‌های نسخه مذکور - که توسط نگارنده تصحیح و آماده چاپ شده است - استناد جسته‌ایم و متن چاپ شده‌ای دیده نشده است.

زندگینامه و آثار شاعر

حدود این پژوهش، متن مثنوی معراج الخیال اثر علیرضا تجلی شیرازی است و چارچوب آن، قسمتهایی از متن است که به عنوان نمونه برای نشان دادن ویژگی‌های سبکی در این مقاله ذکر شده است که میتوان مصادیق فراوانی از آن در متن پیدا کرد و هر کجا بیتی ذکر میشود - چنانکه گفتیم - از این نسخه خطی است.

حاج ملا علیرضا بن کمال الدین حسین تجلی شیرازی، از شاعران مشهور عصر صفوی است که اصلش از اردکان فارس بود<sup>3</sup> که در اوایل جوانی به اصفهان سفر میکند و شاگردان آقا حسین خوانساری

<sup>3</sup> - هر چند صاحب تذکره منتخب اللطایف او را یزدی الاصل می‌داند.

مشهور به محقق خوانساری، میشود و پس از کسب کمالات و علوم شرعی در دوران سلطنت شهاب الدین شاه جهان (1037-1068 هـ) به هندوستان میرود و به صحبت ابراهیم علیخان پسر علی مردان خان نایل میشود و در نزد وی عز و امتیازی مییابد (تاریخ اردکان، سپهری اردکانی، ص 100) تجلی شیرازی دارای آثار متعددی در علوم مختلف است که مشهورترین آنها عبارتند از: 1- دیوان شعر که شامل غزل و قصیده میباشد. 2- تفسیر قرآن. 3- مثنوی معراج الخیال. 4- سفینه النجاه که درباره امانت است. 5- مثنوی قضا و قدر. 6- رساله‌ای درباره نماز جمعه. 7- حاشیه‌ای بر کتاب ملا عبدالله یزدی در علم منطق.

#### معرفی نسخه خطی مثنوی معراج الخیال

از آنجایی که تاکنون مثنوی معراج الخیال اثر علیرضا تجلی شیرازی به چاپ نرسیده است، اساس معرفی ما در این مقاله، نسخه خطی شماره (5400) دانشگاه تهران است که مطالب آن با خط نستعلیق، در متن و حاشیه آمده است. این نسخه مربوط به قرن یازدهم هجری و نزدیکترین نسخه به عصر شاعر میباشد.

اشعار این مثنوی به گونه‌ای است که بیتها در داخل کادر متن به صورت چلیپا و هر بیت به شکل زیر ستونی زیر هم آمده که هر ستون پنج تا هفت بیت را به تفاوت شامل میشود. عنوانها با شنگرف نوشته شده و دارای جدول زرد و مشکی است. کتابت این نسخه بر روی کاغذ فرنگی است که جلد آن تیماج مشکی و ضربی و از یک طرف مقوایی است. این نسخه شامل ده صفحه 256 بیت میباشد. محتوای مثنوی معراج الخیال

این اثر بر وزن "مثنوی معنوی" اثر جلال الدین محمد بلخی یعنی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن سروده شده که موضوعش توصیف عشق است. بدین معنی که تجلی شیرازی در این مثنوی با تکیه بر نیروی خیال و تصور شاعرانه خود، علاقه و اشتیاقش را برای وصال محبوب با ذوق فراوان و تعریف و توصیف عضو معشوق در قالب اشعاری زیبا، بیان میکند. برای رسیدن به چنین آرزویی از نیروی "هوس" استمداد و چاره میجوید. هوس در پاسخ او میگوید، عاجزتر و ناتوانتر از آن است که بتواند در برآوردن چنین رازی به او کمک کند:

من در این دریا چو کف بی مایه‌ام	کمتر از خاشاک باشی پایه‌ام
گوهر مقصود را از من مجو	با چو من این راز را دیگر مگو

(بیت 105-106)

بنابراین با راهنمایی هوس، به سراغ عقل میرود و از او چاره این کار میجوید، شاعر به مقام والای عقل واقف است و آنرا بنا و اساس آفرینش و "مزرع تکلیف هر پیامبر" میداند تا جایی که با التماس از او درخواست میکند که برای عشق او که مانند "دردی" است درمانی معرفی کند:

کای بنای آفرینش را اساس  
ای چراغ افروز هر نیک اختری  
قالبم را مزده جانی فرست  
روشن از نور تو مشکوة حواس  
مزرع تکلیف هر پیغمبری  
درد عشقم را تو درمانی فرست  
(بیت 122-123-129)

از همین رهگذر است که به عظمت و اوج اطلاعات عرفانی شاعر پی میبریم، چنانکه از مضامین و محتوای کلام او برمی‌آید او معتقد است که اگر با تابش خورشید به خاک، آن به زر تبدیل میشود - که باور قدما بوده است- با اکسیر عقل هم، ملک آدم میشود، عقل را "شمع بزم ارباب یقین" و "آسیای کفر و دین" معرفی میکند:

ای دلیل کعبه اهل ثواب  
خاک اگر زر شود ز خورشید فلک  
ای تو شمع بزم ارباب یقین  
از شراب وصل پرکن جام من  
عالم تاریک تن را آفتاب  
شد ز اکسیر تو هم آدم ملک  
ای تو آب آسیای کفر و دین  
رشک صبح عید گردان شام من  
بیت 125-130

چنانکه ملاحظه میشود مضامین بکار گرفته شده توسط شاعر، تحت تأثیر زمان و زبان ادبی روزگار شاعر (عصر صفوی) است. بدین معنی که به تأثیر از فرهنگ عامه و شامل کنایات، تمثیلات، تشبیهات و آرایه‌های لفظی و معنوی، شعر خود را سروده است. و از او چنین پاسخ میشوند:

من ندارم طاقت ناورد عشق  
برنیاید کامت از فرزانیگی  
از کجا دارم دوی درد عشق  
دست زن در دامن دیوانگی  
(بیت 136-137)

شاعر در خطاب عقل می‌بیند که او "جنون" و "عشق" را مساوی و یکی دانسته و در همپایه بودن آنها شکی ندارد، به همین دلیل این بار به دنیای عشق و جنون روی می‌آورد و به توصیف آنها میپردازد که سرانجام با ذکر مناجات و تمثیل به مثنوی خود پایان میدهد و این گونه است که شاعر موفق به خلق مثنوی عرفانی و عاشقانه خود بنام "معراج الخیال" میشود، البته محتوایی عارفانه و تقویت کننده ایمان دارد که نه از روی تعصب بلکه استدلال و برهانی عقل پسندانه و به دلیل اطاله کلام از ذکر کامل آن خودداری میشود.

سبک شناسی مثنوی معراج الخیال

در این پژوهش به زوایای سبک مثنوی معراج الخیال میپردازیم که شاعر به آنها توجه داشته است. خصوصیتی که این اثر را نسبت به آثار دیگر ممتاز کرده است، بنابراین در این مقاله به دلیل رعایت اختصار، این ویژگیهای سبکی را به ترتیب در سه سطح فکری، زبانی و ادبی بررسی میکنیم.

## 1- سطح فکری

(شاخص محتوا و مضمون) از آنجا که برای بررسی ویژگیهای هر سبکی باید آنرا در سه سطح فکری، زبانی و ادبی بررسی کرد (کلیات سبک شناسی، شمیسا، ص 153) بنابراین نخست برای بررسی ویژگیهای فکری این اثر به موارد ذیل میپردازیم:

1- استفاده از آیات قرآن کریم. تجلی شیرازی در سرتاسر مثنوی ارزشمند خود که -یک اثر عرفانی است- به آیات قرآن کریم توجه داشته و آنها را گاه به صورت تلمیح، گاه بصورت اقتباس و گاه به صورتهای دیگر آورده است، که از این نظر باید گفت این شاعر همسو با آثار دیگر شاعران عصر خود گام برداشته است زیرا چنانکه میدانیم "در عصر صفویه مذهب تازه رواج یافته شیعه احتیاج به شرح کتابهای اصول این مذهب به زبان فارسی ساده داشت تا برای عموم قابل استفاده باشد، از این راه کتابهایی همراه با آیات، احادیث و روایات، بوجود آمد" (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ص 1482).  
تلمیح به آیات

در بیت زیر به آیه " فَأَذا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقُوعَالُهُ سَاجِدِينَ " (الحجر، آیه 29) اشاره شده است که خداوند از روح خودش در کالبد حضرت آدم (ع) دمید:

قالبم را مژده جانی فرست  
درد عشقم را تو درمانی فرست  
(بیت 131)

در بیت زیر به آیه 77 سوره نساء "قل متاع الدنيا قليل و الآخرة لمن اتقى" (بگو سرمایه دنیا ناچیز بوده و آخرت برای پرهیزکاران نکوتر است)، و آیه 38 سوره توبه: "فما المتاع الدنيا في الآخرة الأ قليل" (سرمایه دنیا نسبت به آخرت ناچیز و بی مقدار است) و این روایت "الدنيا حرام على اهل الآخرة و الآخرة حرام على اهل الدنيا" (عرفان نظری، یثربی، ص 117) اشاره شده است:

با زر وسیم جهانش نیست کار  
کوفتاده در حریم وصل یار  
(بیت 139)

از ویژگیهای بدیعی این اثر میتوان تسلط کامل شاعر را در بکارگیری آیات و روایات دانست، چنانکه ملاحظه میشود در بیت مذکور به دو آیه و یک روایت اشاره کرده است.

در بیتهای زیر به آیه 72 سوره الرحمن: "حور مقصورات فی الخيام" (حوریانی که در خیمه‌های بهشتی مستورند)، اشاره کرده است:

در صفا سر چشمه آب بلور  
سینه‌اش دل برده از خوبی ز حور  
(بیت 70)  
بند برقع طره گیسوی حور  
طوق گردن مشرق صبح بلور  
(بیت 29)

در بیت زیر به آیه 29 سورة القصص نظر داشته است: "فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ....." (یعنی آنگاه که موسی (ع) عهد خدمت به پایان رسانیده، با اهل بیت خود از حضور شیعب رو به دیار خود کرد آتشی از جانب طور دید...). همچنین درباره شمع طور ذیل همین کلمه در غیاث اللغات این طور آمده است: "آنچه موسی (ع) در وادی ایمن بر درختی تجلی نور حق تعالی دیده بود"، کلمه "تجلی" در این بیت، تخلص شاعر هم میباشد:

یا رب از عشقت دلم را بخش نور      تا شود جان تجلی شمع طور  
(بیت 254)

در بیت زیر به آیه 34 سورة یوسف (ع): "ثم بدالهم من بعدماراً و الاياتِ یَسْجُنُّنَهٗ حتی حین". اشاره شده است:

از رخس افروخت قندیل مرا      دلو یوسف ساخت زنبیل مرا  
(بیت 221)

اعتقاد به چشم زخم عین کمال یا چشم زخم "آزار و نقصانی است که به سبب دیدن بعضی از مردم و تعریف کردن ایشان کسی را و چیزی را به هم رسد" (پرهان قاطع ذیل چشم زخم). در قرآن کریم ذیل تفسیر آیه 51 سورة قلم به این مسئله اشاره شده است و مفسرین آنرا پذیرفته‌اند. این مسئله را معراج الخیال این گونه آورده است:

سحر چشم از غمزه در عین کمال      مرغ ناز از چین ابرو کرده بال  
(بیت 215)

تلمیح به احادیث و روایات:

در بیت زیر به این حدیث قدسی معروف اشاره شده که: "انا عند المنکسرة قلوبهم من اجلی" (من به دل شکستگان خویش نزدیکم) (حافظ نامه، خرمشاهی، ص 932. همچنین کشف الاسرار، رشید الدین، ص 283).

ای تسلی بخش هر آشفته حال      از تو فربه پهلوی صید خیال  
(بیت 102)

در بیت زیر به این حدیث اشاره کرده که: "اول ما خلق الله العقل" (احادیث مثنوی، فروزانفر، ص 202):

عقل از اول بود بینایی نبود      پس بهشت و دوزخ آمد در وجود  
(بیت 104)

در بیت‌های زیر به این کلام امام صادق (ع) اشاره کرده که میفرماید: "العقلُ ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان" (احادیث مثنوی، فروزانفر، ص 178)

عقل باشد سوی جنت رهنما  
عقل باشد کوثر اندیشه زا  
(بیت 112)

عقل دریایی است ژرف بیکران  
حس حبابش باشد و موجش خیال  
هست از او در هر سری زهری نهران  
گوهرش درک صفات ذوالجلال  
(بیت 117-118)

در بیت زیر به کلام حضرت رسول اکرم (ص) اشاره کرده که فرمود: "كنتُ كنزاً مخفياً فاجبتُ أن أعرف فخلقت الحق لکی أعرف" (احادیث مثنوی، فروزانفر، ص 29)

پرده دار کبریا عشق است عشق  
آب این نه آسیا عشق است عشق  
(بیت 181)

که یادآور این بیت معروف نظامی گنجوی است:

فلک جز عشق محرابی ندارد  
جهان بی خاک عشق آبی ندارد  
(سبعه حکیم نظامی، نظامی گنجوی، ص 33)

در بیت زیر عقیده دارد که عشق ظاهری و حقیقی، هر دو انسان را به خدا می‌رسانند:

ای بسا دل کو اسیر زنگ و بوست  
لیک چون بینی شهید عشق اوست  
(بیت 242)

که یادآور این بیت مثنوی مولانا است:

عاشقی گر زین سرو گر زان سر است  
عاقبت ما را به آن سر رهبر است  
(مثنوی معنوی، مولوی بلخی، ص 9)

## 2- سطح زبانی

### مترادفات

در سطح زبانی آوردن کلمات و عبارات مترادف مد نظر است که گاه لازم و ضروری است و گاه هم، آوردن آنها چندان ضروری نیست، به این دلیل که عده‌ای از صاحب نظران بر این باورند که باید آوردن کلمه مترادف یا تکراری بخشی از معنا را از توهم و اشتباه برهاند چنانکه: "یکی از فواید تأکید به وسیله تکرار و آوردن مترادف، جلوگیری از توهم و اشتباه است" (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، ص 401). که این گونه عبارات در مثنوی معراج‌الخیال دیده میشوند و یکی از ویژگیهای

سبکی این اثر به حساب می‌آیند چنانکه در بیت زیر با تکرار کلمه "عضو" خواسته است بر تأکید کلام بیفزاید:

عضو عضو مشق سودا میکند      از تپیدن بال و پروا میکند  
(بیت 15)

همچنین در بیت زیر با تکرار کلمه عشق، بر بار معنایی تأکید میکند:

پرده دار کبریا عشق است عشق      آب این نه آسیا عشق است عشق  
(بیت 181)

و عباراتی چون صبر و شکیب (بیت 26)، نیرنگ و فن (81)، خارخار (91)، دشت و صحرا (157)، کوه کوه (255) و ...

#### اصطلاحات عامیانه

در سبک رایج این دوره (قرن دهم) به دلیل اینکه ادبیات و آثار ادبی مخاطبانشان را توده‌های جامعه انتخاب کردند و از طرفی هم برای درک بهتر مفاهیم مذهب تشیع که پادشاهان این سلسله برای گسترش آن تلاش میکردند، و عوامل متعدد دیگر لحن محاوره‌ای و کلمات عامیانه در شعر و آثار ادبی این دوره رونق و رواج میگیرد و این ویژگی در آثار اکثر شاعران این دوره -مخصوصاً صائب تبریزی- دیده میشود.

در مثنوی معراج الخیال، اصطلاحات عامیانه به وفور دیده میشوند بگونه‌ای که میتوان کاربرد این اصطلاحات را از ویژگیهای سبکی این اثر دانست. اصطلاحاتی چون: "به بخت خفته پشت پا زدن" (به بخت خود لگد زدن):

من هم از عشق بتی آشفته‌ام      پشت پایی زن به بخت خفته‌ام  
(بیت 169)

"آب برداشتن زخم":

زخمهای کهنه‌ام برداشت آب      نو بهاری شد خزانم زین سحاب  
(بیت 8)

"فربه بودن پهلوی صید":

ای تسلی بخش هر آشفته حال      از تو فربه پهلوی صید خیال  
(بیت 102)

و اصطلاحاتی چون "مور در خرمن افتادن" بیت 3، "هوا در شیشه شدن" بیت 10، "نور علی نور" بیت 49، "بی مایه بودن" بیت 106 و ...

تشبیهات بسیار عامیانه که گاهی دور از ادب هم هستند در این اثر دیده میشود چنانکه:



سینه‌اش از بس که باشد نرم و صاف  
بوسه از لغزش ناستد تا به ناف  
(بیت 67)

#### انواع موسیقی

از نظر موسیقی کناری، انواع ردیف اسمی و فعلی در این مثنوی دیده میشود، مثلاً در بیت‌های زیر به ترتیب کلمات عشق (اسم)، نگر (فعل):

باز در مغزم شراری ریخت عشق  
روغنم با شعله‌ام آمیخت عشق  
(بیت 24)

گردن و رخسار چون حورش نگر  
شاهد نور علی نورش نگر  
(بیت 49)

بر جبین چین فسون سازش نگر  
شاهراه جلوه نازش نگر  
(بیت 82)

از نظر موسیقی بیرونی، گاهی یک صامت اضافه بر وزن انتخابی می‌آورد مثلاً با اینکه وزن این مثنوی در بحر رمل مسدس محذوف است (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن)، ولی صامت "ع" در بیت زیر اضافه بر وزن اصلی آمده است:

عنبر از سودای زلفش تر دماغ  
سینه ماهی ز پشت پاش داغ  
(بیت 62)

از نظر موسیقی درونی، انواع جناسها در این مثنوی دیده میشود، مخصوصاً که چون قالب شعری مثنوی به گونه‌ای است که هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد، انواع جناسهای مضارع، لاحق و ... در کلمات قافیه مشاهده میشود، مثلاً در قافیه بیت‌های زیر به ترتیب جناس مضارع و لاحق آمده است:

قد و عارض چشم و ابرو زلف و خال  
هست در راهش طلسم جذب حال  
(بیت 241)

قرص مرواید و مه را بیختند  
تا که لوح سینه او ریختند  
(بیت 68)

از نظر واج آرایبی نیز شاعر در این مثنوی به وفور از این آرایه استمداد جسته است چنانکه حرف "ق" در بیت زیر چهار بار تکرار شده است.

از تو خواهم جذبه بی قیل و قال  
تا گشایم در قفای قدس بال  
(بیت 256)

کاربرد ویژه‌ای از حرف "را"

در مثنوی معراج الخیال کاربردی از حرف "را" دیده میشود که از ویژگیهای سبکی این مثنوی است چنانکه در این بیت:

دور کرده از هوس را کاهشم خشک شد زاینده رود خواهشم  
(بیت 9)

### 3-سطح ادبی

تشبیهات موجود در این اثر

در این اثر گاه تشبیهاتی بسیار نادر و قریب - که در سبک هندی یعنی سبکی که در عصر این شاعر رایج بوده است معمول و مرسوم بوده - دیده میشود، مثلاً تشبیه "غبار" به دُرد (رسوب ته شراب)، در این بیت:

در هوای لعل آن گل پیره‌ن دُرد می‌گردد غبارم در کفن  
(بیت 172)

در بیت زیر تشبیه بسیار نادری بکار برده است یعنی نگاه معشوق را به نفس مانند کرده که تا دل عاشق دوان دوان می‌رود! از دیگر ویژگی این بیت بکار بردن آرایه حُسن تعلیل زیبایی است که در مصراع اول بکار برده است:

مرغ جان از سحر چشمش در قفس میدود تا دل نگاهش چون نفس  
(بیت 46)

در بیت زیر تشبیه "بند برقع" به "طره گیسوی حور" و "طوق گردن" به "مشرق صبح بلور" دیده میشود:

بند برقع طره گیسوی حور طوق گردن مشرق صبح بلور  
(بیت 29)

در بیت زیر "زنجیر عشق" را به "خط آزادی" مانند کرده است:

ای خوشا عشق و خوشا تأثیر عشق خط آزادی بود زنجیر عشق  
(بیت 241)

همچنین تشبیهاتی چون "مرغ جان" بیت 46، "کوثر اندیشه" بیت 112، "گلزار طور" بیت 52 و...

در این مثنوی دیده میشود.

استعاره

در این اثر انواع استعاره‌ها به کار رفته است، چنانکه استعاره مصرحه در بیت زیر:

مرغ جان از سحر چشمش در قفس      میدود تا دل نگاهش چون نفس  
(بیت 46)

که "جان" و "نگاه" بصورت استعاره مصرحه بکار رفته‌اند.

از نظر بسامد، استعاره مکنیه در این اثر کاربرد بیشتری دارد چنانکه کلمات سرو، عقل، لب و فکر به ترتیب در بیت‌های زیر:

سرو پیشش عشق بازی میکند      یاسمن پروانه سازی میکند  
(بیت 34)

عقل باشد سوی مقصد رهنما      عقل باشد کوثر اندیشه زا  
(بیت 112)

لب هم از همکاری چشم سیاه      از تبسم میکنند کار نگاه  
(بیت 39)

فکر خالی برده آرام از برم      مور را سر داده در مغز سرم  
(بیت 19)

کنایه

یکی از ویژگی‌های این اثر، بکار بردن انواع کنایه میباشد، چنانکه در بیت زیر مصرع دوم کنایه از کمک و یاری رساندن است:

من هم از عشق بتی آشفته‌ام      پشت پایی زن به بخت خفته‌ام  
(بیت 169)

در بیت زیر "ارغوانی کردن رخسار" کنایه از سرحال بودن و عاشق شدن است و "رخ زرد بودن" کنایه از ضعیف بودن است:

گر توانی چاره کن درد مرا      ارغوانی کن رخ زرد مرا  
(بیت 103)

در بیت زیر "از دام آب و خاک جستن" کنایه از نجات و رستگاری است:

جستم از فیضت ز دام آب و خاک      فارغم کردی ز خود روحی فداک  
(بیت 165)

در بیت زیر، مصرع دوم کنایه از عاشق شدن است:

در هوای لعل ان گل پیرهن      دُرد می‌گردد غبارم در کفن  
(بیت 172)

در بیت زیر مصرع دوم کنایه از طراوت و شادابی است:

زخمهای کهنه‌ام برداشت آب نوبهاری شد خزانم زین سحاب  
(بیت 8)

### تلمیح

مثنوی معراج الخیال از تلمیحات زیادی استفاده کرده است و تلمیح چنانکه میدانیم "در لغت به معنی دیدن، نظر کردن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره و تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در برنگیرد" (فرهنگ تلمیحات، شمیسا، ص 9). در مثنوی مذکور انواع تلمیحات بکار رفته است که به چند مورد اشاره میکنیم.

### آب حیوان

چنانکه میدانیم: "آی حیوان (آب حیات) یا آب زندگانی، آب چشمه‌ای است که هرکس از آن بخورد زندگی جاوید یابد... و خضر از آن نوشید و جاودانه شد" (فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها، یاحقی، ص 10)

آب حیوان گشت برق خرم‌نم شد دم عیسی سموم گلشنم  
(بیت 90)

حافظ در همین رابطه چنین آورده است:

آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست  
خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد  
(دیوان حافظ، ص 115)

### دم عیسی

چنانکه میدانیم یکی از معجزات حضرت عیسی (ع)، شفای بیماران، نابینایان، همانطور که قرآن کریم صراحتاً از آن یاد کرده است (سوره آل عمران<sup>4</sup>، آیه 49). و در بیت مذکور مثنوی معراج الخیال از دم عیسی به عنوان سموم گلشن یاد کرده است. و حافظ آن را این گونه بیان کرده است:

سایه قد تو بر قالبم بر عیسی دم عکس روحی است که بر عظم رمیم  
افتادست  
(حافظ، ص 26)

### خضر، زلال خضر

مثنوی معراج الخیال، از حضرت خضر و زلال خضر (که همان آب حیات باشد) این گونه استمداد جُسته است:

<sup>4</sup>- و یبرُ الاکمه والایرض و یحیس الموتی... عمران/49

از نوید وصل دل شد پر خروش زد سفالم از زلال خضر جوش  
(بیت 210)

ید بیضا و ذوالفقار

در قرآن کریم آیات 22 و 23 سوره طه و آیه 108 اعراف و آیه 33 شعراء به یکی از معجزات حضرت موسی (ع) اشاره شده که دستش را در گریبان میکرد و چون بر میاورد فروغی همچون خورشید تابان از کف دستش می درخشید، که از آن به عنوان ید بیضا یاد شده است، مثنوی معراج الخیال از آن اینگونه یاد کرده است:

گاه ید بیضا و گاهی افسر است گاه آب ذوالفقار حیدر است  
(بیت 198)  
ذوالفقار حجت عقل است جنت را مدار معنیش برهان و صورت ذوالفقار  
(بیت 111)

اسم اعظم

در تعریف اسم اعظم چنین آمده است: "اسم اعظم، اسم جامع جمیع اسماء الهی است و گویند همان الله است، چه الله اسم ذات اوست که موصوف جمیع صفات یا اسماء است" (اصطلاحات صوفیه، عبدالرزاق کاشانی، ص 89).

معراج الخیال اسم اعظم را این گونه آورده است:

عشق معراج کمال آدم است عشق را تأثیر اسم اعظم است  
(بیت 196)

کوثر

در قرآن کریم سوره ای به همین نام آمده است. "ما تو را حوض کوثر<sup>۵</sup> دادیم تا تشنگان امت را شراب دهی، شراب بی کدر،... این است لفظ خبر که صادر گشت از سید و سالار بشر (ص)" (کشف الاسرار، رشیدالدین میبیدی، ص 640).

در مثنوی معراج الخیال، کوثر این گونه آمده است:

عقل باشد سوی مقصد رهنما عقل باشد کوثر اندیشه زا  
(بیت 112)

فرهاد، مجنون

چنانکه میدانیم از عاشقان معروف متون ادب فارسی میباشند.

<sup>۵</sup> - کوثر: انا اعطیناک الکوثر، آیه ۱

ای بهار عاشقان را رنگ و بوی  
از تو هر فرهاد و مجنون کامجوی  
(بیت 167)

نه آسیا

که منظور نه طبقه آسمان میباشد:

پرده دار کبریا عشق است عشق  
آب این نه آسیا عشق است عشق  
(بیت 181)

### نتیجه

مثنوی معراج الخیال یکی از مثنویهای مهم عصر صفوی میباشد. این مثنوی -چنانکه دیدیم- به همان وزنی سروده شده است که مثنوی معنوی مولوی بلخی. از نظر سبک فکری بیشترین توجه شاعر به آیات و روایات معروف و شرح و تفسیر آنها بوده است، تا جایی که گاهی در یک بیت به چندین آیه و حدیث اشاره کرده است و از این نظر ویژگی خاص و برجسته‌ای دارد. در سطح زبانی از کلمات مترادف استفاده کرده و بیشترین بسامد را در بکار بردن کلمات محاوره، دارد که از برجسته‌ترین ویژگی‌های سبک هندی است. از نظر موسیقی شعر در موسیقی کناری شعرش ردیف‌های فعلی و اسمی به وفور دیده میشود. کاربرد از حرف "را" دارد که منحصر به فرد است. در سطح ادبی از انواع تشبیهات -مخصوصاً حسی به حسی- سود جسته است. استعاره مکنیه و مصرحه در آن به وفور دیده میشود. از انواع کنایات بهره برده است. از نظر محتوایی، چون مثنوی عرفانی است بیشترین بحث بر سر توفیق عشق بر عقل در سیر و سلوک عارفانه است که با تمثیل‌های گوناگون در سرتاسر مثنوی، این مطلب را تکرار میکند. و در مجموع نتایج بدست آمده فرضیه مقاله را تأیید میکنند.

### منابع

1. قرآن کریم، 1366، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، چاپخانه سپهر.
2. احادیث مثنوی، فروزانفر، بدیع الزمان، 1361، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
3. اصطلاحات الصوفیه، کاشانی، عبدالرزاق، 1354، در حاشیه شرح منازل السائرین، چاپ دوم، تهران، انتشارات حامدی.
4. آتشکده، آذر بیگدلی، لطف علی بیگ، 1337، به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی، مؤسسه نشر کتاب.
5. برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، متخلص به برهان، 1361، به اهتمام دکتر محمد معین، چاپ چهارم، با تجدید نظر کامل، تهران، امیرکبیر.
6. تاریخ ادبیات ایران، براون، ادوارد، 1375، از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه مقدادی، بهرام، تهران، انتشارات مروارید.
7. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، 1379، ج 5، تهران، انتشارات فردوسی.
8. تاریخ اردکان، ج اول، سپهری اردکانی، علی، 1364 ش، کانون کتاب ولی عصر اردکان با همکاری اداره کل ارشاد اسلامی یزد.

9. تجلی شیرازی، علیرضا، 1014، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران به شماره 5400.
10. تذکره منتخب اللطایف، رحم علیخان ایمان، 1349، به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی و سید امیر حسین عابدی، چاپ تابان.
11. حافظ نامه، خرمشاهی، بهاء الدین، 1368، جلد 2، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
12. حافظ، خواجه شمس الدین محمد، 1362، تصحیح فزویینی و غنی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات زوار.
13. درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشید ورد، خسرو، 1363، جلد 2، تهران، انتشارات امیر کبیر.
14. سبعة حکیم نظامی، نظامی گنجوی، 1363، به کوشش وحید دستگردی، تهران، انتشارات علی اکبر علمی.
15. عرفان نظری، یثربی، سید یحیی، 1377، چاپ سوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
16. غیاث اللغات، رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال ادین بن شرف الدین، 1357، به کوشش ثروت، منصور، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم.
17. فرهنگ تلمیحات، شمیسا، سیروس، 1386، ج اول، تهران، نشر میترا.
18. کاروان هند، گلچین معانی، احمد، 1369، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی.
19. کشف الاسرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، رشید الدین میبدی، ابوالفضل، 1357، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، ج 10، چاپ دوم، تهران، امیر کبیر.
20. کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، 1372، تهران، انتشارات فردوس.
21. مثنوی معنوی، مولوی بلخی، جلال الدین محمد، 1365، به کوشش نیکلسون، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مدلی.
22. هدایتگران راه نور، مدرسی، سید محمد تقی، (زندگینامه چهارده معصوم)، 1375، چاپ اول، نشر بقیع.

Archive